





دانشگاه قم

دانشکده الهیات

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

عنوان:

بررسی تفسیر تاریخی سوره مائده

استاد راهنما:

دکتر جعفر نکونام

استاد مشاور:

دکتر غلامحسین اعرابی

نگارنده:

حسین پاکدین نژاد

زمستان ۱۳۸۸

چکیده

تفسیر تاریخی قرآن، عبارت از تفسیر قرآن مبتنی بر مقتضیات و مناسبات عصر نزول است. زمینه پیدایش چنین تفسیری از قرآن این بوده است که قرآن کریم بر خلاف سایر کتب آسمانی یکباره نازل نشده بلکه به تدریج و در طول بیست و سه سال دوره رسالت پیامبر اسلام(ص) به اقتضای شرایط و مقتضیات عصر رسالت پیامبر(ص) نازل شده است و این شرایط و مقتضیات، قرائن حالی و مقامی آیات به شمار می روند و تردیدی نمی توان داشت که هر کلام بدون لحاظ قرائنش به درستی و روشنی فهمیده نمی شود. بنابراین آگاهی به افراد و مصادیق، و اسباب و مقتضیات عصر نزول قرآن، مراد آیات را مکشوف و معین می سازد و حتی عمومات و اطلاقات قرآن را تخصیص و تقیید می زند. در این تحقیق اصول تفسیر تاریخی را تبیین و در تفسیر سوره مائده به اجرا گذاشتیم. آیاتی را که از لحاظ لفظی و معنوی متصل به یکدیگر بودند، مشخص نمودیم، با بررسی وقایع تاریخمند اشاره شده در آیات و تباعد زمانی وقایع مذکور به این نتیجه رسیدیم که سوره مائده تدریجی النزول بوده و در زمان های مختلف و متناسب با حوادث عصر نزول نازل گردیده است.

واژگان کلیدی: تفسیر تاریخی، سوره مائده، آیه اکمال، آیه تبلیغ

مقدمه

تفسیر تاریخی قرآن، عبارت از تفسیر قرآن مبتنی بر مقتضیات و مناسبات عصر نزول است. زمینه پیدایش چنین تفسیری از قرآن این بوده است که قرآن کریم بر خلاف سایر کتب آسمانی یکباره نازل نشده بلکه به تدریج و در طول بیست و سه سال دوره رسالت پیامبر اسلام(ص) به اقتضای شرایط و مقتضیات عصر رسالت پیامبر(ص) نازل شده است و این شرایط و مقتضیات، قرائن حالی و مقامی آیات به شمار می روند و تردیدی نمی توان داشت که هر کلام بدون لحاظ قرائنش به درستی و روشنی فهمیده نمی شود. بنابراین آگاهی به افراد و مصادیق، و اسباب و مقتضیات عصر نزول قرآن، مراد آیات را مکشوف و معین می سازد و حتی عمومات و اطلاقات قرآن را تخصیص و تقیید می زند. این بدان معنا نیست که قرآن کتابی جاویدان نبوده و برای مردم اعصار و امصار دیگر حجیت و کارایی نداشته باشد. بلکه پس از القای آن خصوصیات و اخذ معارف کلی و ملاکاتی که در ورای آن الفاظ قرار دارد، همواره جاری و ساری و روشنگر راه زندگانی نوع بشر است.

به نظر نگارنده بهترین روشی که می تواند برای تفسیر روشن و درست یک متن زمانمند مانند قرآن کریم به کار آید، همین روش تفسیر تاریخی است. چرا که:

اولاً، لازمه این روش بهره گیری از همه اطلاعات دخیل در فهم قرآن است.

ثانیاً، این روش راه را برای تفسیر به رأی و فهم قرآن بر اساس عقاید و پیش فرض های ذوقی و تحمیلی بسیار تنگ می سازد.

ثالثاً، تفسیر تاریخی از قرآن امکان فهم زنده و روزآمد و قابل انطباق قرآن بر موضوعات و مسائل جدید را فراهم می کند.

رابعاً، فهم قرآن مبتنی بر مقتضیات و مناسبات عصر نزول، بسیاری از کج فهمی و بدفهمی های موجود را از میان می برد.

خامساً، تفسیر تاریخی قرآن، مفسر را به ملاکات و معارف کلی و رای قرآن راهنمای می کند و فهم های سطحی و ظاهری و محدود رایج را تعمیق و توسعه می دهد.

سادساً، از بسیاری از آموزه های قرآن که تاکنون به جهت فهم بی نظم و غیر تاریخمند قرآن مغفول مانده است، پرده بر می دارد.

فصل اول شامل کلیات و مبانی روش تفسیر تاریخی است که برگرفته از مباحث کلاسی، کتاب و مقالات استاد راهنمای محترم جناب آقای دکتر جعفر نکونام است که به حق سهم شایانی در تأسیس و ترویج این روش تفسیری دارند.

فصل دوم و سوم به بررسی تفسیر تاریخی آیات سوره مائده اختصاص یافته است و با توجه به حجم مطالب و لزوم فصل بندی تحقیق جهت سهولت دسترسی به عناوین مختلف تحقیق فصل دوم به بررسی واحد نزول اول و فصل سوم به بررسی پنج واحد نزول دیگر تخصیص یافته است.

فصل اول

کلیات و مبانی تفسیر تاریخی

آنچه که در این فصل بررسی می شود، برگرفته از کتاب درآمدی بر تاریخگذاری^۱ و مقاله تفسیر تاریخی^۲ دکتر جعفر نکونام است، که نگارنده به واسطه ایشان با روش تفسیر تاریخی آشنا گشته و تحقیق خود را بر پایه اصول تعلیمی ایشان بنا نهاده است. این فصل شامل کلیاتی درباره موضوع بحث یعنی تفسیر تاریخی قرآن کریم است و موضوعات مورد بحث در آن عبارت است از: تبیین روش تفسیر تاریخی، اهمیت تفسیر تاریخی، پیشینه تفسیر تاریخی و مبانی تفسیر تاریخی.

۱. تبیین روش تفسیر تاریخی

مراد از تفسیر قرآن عبارت است از پرده برداشتن از معنای مراد خدای تعالی از الفاظ و عبارات قرآن و غرض از تفسیر تاریخی قرآن تفسیر آن در بستر تاریخ نزولش است. یعنی باید هر آیه و سوره قرآن با توجه به مکان و تاریخ نزول و مخاطبانش معناشناسی و تفسیر شود. بنابراین در تفسیر تاریخی قرآن هدف این است که بررسی شود، معنایی که عرب حجاز در عصر نزول از هر کلمه و عبارت قرآنی می فهمیدند، چه بوده است. مهم ترین راهکار چنین تفسیری شناخت تاریخ و ترتیب نزول آیات و سوره های قرآن و تفسیر قرآن بر اساس آن است. به همین رو تفسیر تاریخی بیش تر به تفسیر ترتیب نزولی معروف شده است.

زمینه پیدایش چنین تفسیری از قرآن این بوده است که قرآن کریم بر خلاف سایر کتب آسمانی یکباره نازل نشد^۳ بلکه به تدریج و در طول بیست و سه سال دوره رسالت پیامبر اسلام(ص) نزول یافت. طبق روایات ترتیب نزول، هشتاد و شش سوره از سوره های قرآن طی

^۱ - نکونام، جعفر. درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن. (تهران: نشر هستی نما، ۱۳۸۰).

^۲ - جعفر نکونام، تفسیر تاریخی قرآن کریم، پژوهش دینی، شماره نوزدهم، پاییز و زمستان ۸۸.

^۳ - رک: عبدالرحمن سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، (بیروت: دارالکتب العلمیة، طبعه الثانی، ۱۴۱۱ق)، ج ۱، ص ۹۴.

سیزده سالی نازل شد که پیامبر اسلام(ص) در مکه به سر می برد و بیست و هشت سوره از قرآن طی ده سالی نازل گردید که آن حضرت در مدینه می زیست.^۱

نظارت مضامین سوره های قرآن به مقتضیات مستمر یا مقطعی عصر رسالت پیامبر اسلام(ص) آشکار می سازد که فلسفه نزول تدریجی آن پاسخ گویی به نیازها و مقتضیات عصر رسالت پیامبر اسلام(ص) بوده است. علاوه بر این خدای تعالی نیز به این واقعیت اشاره کرده است. آنجا که در پاسخ سؤال مشرکان مکه مبنی بر این که چرا قرآن به طور یکجا بر پیامبر اسلام(ص) نازل نشده است، فرمود: «كَذَٰلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا ۖ وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا»^۲

این ویژگی قرآن که به تدریج و متناسب با شرایط متغیر دوره نبوت پیامبر اسلام(ص) نازل شده، اقتضا کرده است، قرآن پژوهان به شناخت مناسبات تاریخی وحی های قرآن و زمان نزول آن ها بپردازند و آثار گوناگونی را با تکیه بر بررسی آیات به ترتیب نزول سامان دهند. نظیر ترجمه قرآن به ترتیب نزول، تفسیر قرآن به ترتیب نزول، سیره نبوی بر پایه ترتیب نزول قرآن.

^۱ - رک: عبیدالله بن عبدالله حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الایات النازلة فی اهل البیت، (تهران: وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، ۱۴۱۱ق)، ج ۲، ص ۴۱۱.

^۲ - اینچنین [فرستادیم] تا دل تو را بدان استوار و آرام گردانیم، و [از این رو] آن را جدا جدا- برخی از بی برخی- و به آهستگی بخواندیم. (۳۲)
و هیچ منلی- از خرده گیریها و طعن در نبوت و کتاب تو- برای تو نیارند مگر آنکه تو را [پاسخ] راست و درست و به نیکوتر بیانی بیاریم. (۳۳). (فرقان/۳۲-۳۳)

۲. اهمیت تفسیر تاریخی قرآن

پنهان نیست که غرض مفسران از اهتمام به تفسیر قرآن دست یابی به مقصود خدای تعالی در آیات قرآن است. به باور نویسنده بهترین روش تفسیر قرآن که می تواند نیل به این غرض ارجمند را میسر سازد، تفسیر تاریخی قرآن کریم است. چرا که قرآن متنی تاریخمند است و طی بیست و سه سال به اقتضای شرایط و مقتضیات عصر رسالت پیامبر(ص) نازل شده است و این شرایط و مقتضیات، قرائن حالی و مقامی آیات به شمار می روند و تردیدی نمی توان داشت که هر کلام بدون لحاظ قرائنش به درستی و روشنی فهمیده نمی شود.

اندک توجهی به این که هر یک از سوره های قرآن، متناسب با شرایط تاریخی و اجتماعی ویژه و خطاب به مردمی با رفتارها و آداب و رسوم خاص نازل شده است، کافی است که بفهماند این واقعیات در نوع بیان قرآن تأثیرگذارند و به منزله قرائن حالی فهم قرآن تلقی می شوند و نادیده گرفتن آن ها فهم مبهم و نادرستی از آیات قرآن را به دست می دهد. به نظر نویسنده چنانچه قرآن به ترتیب نزول و در بستر تاریخی اش مطالعه شود، دامن بسیاری از اختلافات تفسیری برچیده می شود. بعید نیست، آن سخن رسول خدا(ص) ناظر به این نکته باشد که پس از وصیت به امام علی (ع) درباره جمع قرآن فرمود: «لو أن الناس قرؤوا القرآن كما أنزل ما اختلفوا»^۱ به این معنا که اگر مردم قرآن را به ترتیب نزولش می خواندند، دو نفر هم با یکدیگر اختلاف پیدا نمی کردند.

کسانی که سوره های قرآن را به ترتیب نزول و با توجه به بستر تاریخی اش مطالعه کرده و به دستاوردهای بسیار چشمگیر و تأثیرگذار آن دست یافته اند، برای ان ارزش و اهمیت فراوانی قائل اند. این دستاوردها چندان چشم گر و تأثیرگذار است که بسا سخن گزافی نباشد اگر گفته

^۱ - محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، (بیروت: مؤسسة الوفاء، طبعه الثانية، ۱۴۰۳ق)، ج ۹۸، ص ۴۸.

شود، نو بودن دینی که حضرت قائم (ع) آن را پس از قیام خود ترویج خواهند کرد به سبب مطالعه قرآن به ترتیب نزول و در بستر تاریخی اش است.

اگرچه جاوید بودن قرآن کریم جای تردید ندارد، اما نظارت وحی های قرآنی به شرایط و حوادث نیز انکار ناشدنی است. به همین رو شرط فهم و عمل صحیح به قرآن کریم مطالعه شرایط و حوادثی به شمار می رود که وحی های قرآنی به اقتضای آن ها نازل شده است. چنین مطالعه ای اگر به ترتیب پیدایش و پیشرفت حوادث باشد، نتایج مطالعه دو چندان خواهد شد و قریب به اتفاق تمام اختلافات تفسیری از میان برداشته خواهد گشت.

فایده دیگر تفسیر تاریخی قرآن، شناخت صحت و سقم روایات اسباب النزول، مکی و مدنی، ناسخ و منسوخ است. پنهان نیست که قرآن صامت نیست و سیاق و آیات متحد الموضوعش از مراد خدای تعالی پرده بر می دارد و لذا مفاد آن، موافق پاره ای روایات و مخالف برخی دیگر است. به همین رو عرضه روایات بر قرآن نشان می دهد که پاره ای از روایات به غلط ذیل آیات قرآن آورده شده و بر آن ها منطبق گردیده اند. برای مثال در این زمینه ذیل آیه: «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِّلصَّابِرِينَ»^۱ آورده اند: پیامبر(ص) بالای جسد حمزه وقتی در جنگ احد شهید و مثله شده بود، ایستاد و فرمود: من به جای تو هفتاد نفر از مشرکان مکه را مثله خواهم کرد. در این هنگام بود که جبرئیل آن آیه را نازل کرد. این در حالی است که این آیه در سوره نحل قرار دارد که تمامی در مکه نازل شده است و لذا هرگز نمی تواند ناظر به شهادت حمزه باشد که در جنگ احد و در سال سوم هجری واقع شد.^۲

دیگر فایده تفسیر تاریخی قرآن این است که با چنین تفسیری می توان تاریخ و سیره نبوی را از طریق قرآن شناخت. آشکار است که بیشتر سوره های قرآن کمابیش به طور عامی ا خاص

^۱ - و اگر سزا می دهید بمانند آنچه با شما کرده اند سزا دهید. و اگر شکیبایی کنید هر آینه آن برای شکیبایان بهتر است. (نحل/۱۲۶)

^۲ - رک: محمد هادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن، (قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۱۲ق) ج ۱، ص ۲۴۸.

سیر دعوت پیامبر اسلام(ص) را گزارش می کنند. به طوری که اگر سوره های قرآن به ترتیب نزول مرتب شود، سیر دعوت و سیره پیامبر اسلام(ص) را نشان می دهد.^۱

در آیات، نزول تدریجی قرآن به جهت رعایت شرایط و مقتضیات متغیر دوره رسالت پیامبر اسلام(ص) دانسته شده است و تردیدی نمی توان داشت که این شرایط و مقتضیات وقتی به صورت واضح و واقعی مورد توجه قرار می گیرد که سوره های قرآن به ترتیب طبیعی نزول مطالعه شود و توجه به این نکته اقتضا داشته است قرآنی به ترتیب نزول و با توضیحاتی در مورد اسباب نزول تألیف گردد. امام علی (ع) این رسالت را به توصیه پیامبر اکرم(ص) انجام داد ولی افسوس که شد آنچه نباید می شد و مصحف ایشان در میان ائمه دست به دست گشت و هم اکنون نزد امام زمان(عج) موجود است و ما منتظر برقراری دولت قرآنی آن حضرت هستیم.

ناگفته پیداست که هر یک از سوره های قرآن مشتمل بر موضوعات متنوعی است و لذا نمی توان آن ها را به ترتیب موضوعی مرتب و مبوب کرد. از این رو بهترین ترتیب و نظم که در سوره های قرآن می توان معمول کرد، نظم تاریخی و موافق نزول است. به ویژه آن که رویدادهای بیست و سه ساله رسالت پیامبر اسلام(ص) در سوره های قرآن کمابیش گزارش شده است و بی تردید اگر سوره های قرآن به ترتیب تاریخ نزول مرتب و مطالعه نشود، رویدادهای دوره رسالت آن حضرت را آشفته می نمایاند. اما مرتب سازی آن طبق ترتیب نزول آن، رویدادها را سامان مند به نمایش می گذارد.

به علاوه قرآن مشتمل بر آیات ناسخ و منسوخ است. یعنی در زمانی مصالح و مقتضیات ایجاب می کرده است که حکمی اجرا شود و لذا آیاتی در تشریح آن حکم نازل می شد. سپس در زمان دیگر مصالح و مقتضیات ایجاب می کرده است که آن حکم برداشته شود و حکم دیگری به

^۱ - رک: سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، (قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق)، ج ۱۳، ص ۲۳۵ و جلال الدین فارسی، پیامبری و انقلاب، (بی جا، انتشارات امید، بی تا)، ص ۱۸.

جای آن اجرا گردد و لذا آیاتی نازل می شده و حکم جدیدی را تشریح می کرده است. گاهی اقتضا می کرده است، حکم سختی تشریح شود و زمانی ایجاب می کرده است که آن حکم تخفیف پیدا کند. در مواردی لازم بوده است، نخست حکم سبکی تشریح شود و سپس حکمی شدیدتر به جای آن بیاید. اگر توجه به این مصالح و مقتضیات و تشریح و اجرای احکام به تناسب آن ها در عصر پیامبر اسلام(ص) ضروری بوده است، چرا این توجه در اعصار دیگر وجود نداشته باشد و اگر این ضرورت برای اعصار دیگر هم باقی است، چرا قرآن به ترتیب نزول مرتب و تفسیر نشود تا از رهگذر آن توجه مردم این اعصار نیز به این مهم جلب شود.

باید دانست که اهمیت توجه به نظم و ترتیب نزول به آیات الاحکام و آیات تاریخی قرآن اختصاص ندارد. ملاحظه دیگر آیات نیز مانند آیات قصص و قیامت نشان می دهد که آن ها هم با رعایت مناسبت تاریخی و مقتضای حال مخاطبان در دوره های مکی و مدنی نازل شده اند و لذا توجه به زمان و ترتیب و بستر نزول آن ها نیز ضروری می نماید.

به هر حال، انکارناپذیر است که قرآن به ترتیبی خاص نازل شده است و بی تردید رعایت این ترتیب نزول مهم بوده است. حال باید پرسید اگر رعایت ترتیبی که قرآن بر آن نازل شده، مهم بوده است، چرا باید این ترتیب در تفسیر قرآن رعایت نشود؟

۳. پیشینه تفسیر تاریخی قرآن

از مصحف حضرت علی (ع) می توان به عنوان اولین و جامع ترین تفسیر تاریخی نام برد که هم اکنون خارج از دسترس ما و نزد امام زمان (عج) موجود است. گذشته از آن آثاری چون روایات مکی و مدنی، اسباب نزول، ترتیب نزول، ناسخ و منسوخ، و تاریخ پیامبر اسلام (ص) هر یک به نحوی با بیان مقتضیات و شرایط نزول قرآن با تفسیر تاریخی ارتباط پیدا می کند.

بنابراین می توان گفت که قدمت تفسیر تاریخی قرآن به صدر اسلام می رسد. اما تلاش دانشمندان اسلامی تا قبل از قرن چهاردهم هجری قمری صورت پذیرفته، این است که محدثان و مورخان و مفسران مسلمان روایات مختلف ترتیب نزول، اسباب نزول، مکی و مدنی، ناسخ و منسوخ و سیره پیامبر اسلام (ص) را در آثار خاص آن ها و یا آثاری عموم نظیر تاریخ و تفسیر و علوم قرآنی و حدیث آورده و گاهی نیز به طور پراکنده برخی از آن ها را نقد نموده اند.

۱،۳. پژوهش های دانشمندان اسلامی معاصر

علمای اسلامی پس از آن که قرن ها بر روی هر یک از روایات ترتیب نزول، اسباب نزول، مکی و مدنی، ناسخ و منسوخ و تاریخی به طور مستقل از یکدیگر نقد و بررسی هایی را به عمل آوردند، از اواسط قرن چهاردهم بر آن شدند که آن ها را یکجا آورده، به ترتیب تاریخی مورد بررسی قرار دهند.

به نظر می رسد کار متأخرین با چاپ مصحفی در مصر به سال ۱۳۳۷ق آغاز شد که در صدر هر سوره ترتیب نزول، مکی و مدنی بودن آیات آن ذکر گردیده بود.^۱

تحقیقات و تألیفاتی را که دانشمندان اسلامی متأخر در خصوص تفسیر تاریخی قرآن به هم رساندند، به قراری است که اینک می آید.

^۱ - محمود رامیار، تاریخ قرآن، (تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۲)، ص ۶۶۲.

۱،۱،۳. تفسیر «بیان المعانی»

در سال ۱۳۵۵ق یکی از مفسران مسلمان به نام سید عبد القادر ملاحویش آل غازی عانی موافق همان ترتیب نزولی که در مصحف مصری آمده بود، تفسیری با عنوان «بیان المعانی علی حسب ترتیب النزول» تألیف کرد.

عبد القادر خود را اولین مفسری می داند که بدین ترتیب به تفسیر قرآن پرداخته است و سبب اهتمام بدان را فوآندی می شمارد که بر آن مترتب می گردد. وی در ابتدای تفسیرش می گوید:

«باید دانست که بی تدید تفسیر قرآن مطابق نظر امام علی کرم الله وجهه پرفایده است. زیرا ترتیب نزول غیر از ترتیب تلاوت است و به جهت آن که دانشمندان، قرآن را به ترتیب مصاحف تفسیر کرده اند، ناگزیر شده اند که با عبارات تکراری به ترتیب نزول قرآن اشاره کنند زیرا اختلافی که میان ترتیب قرآن در مصاحف و ترتیب نزول آن هست، تکرار را ایجاب می کند و به قطور شدن تفاسیر می انجامد.

من طی جستجویی دریافتم کسی قبلا به تفسیری از قرآن نپرداخته است که متناسب اشاره آن امام باشد و خواننده را از رنج آن اختلافات برهاند و چگونگی نزول قرآن را به او بشناساند و به اسباب نزول آن آگاه گرداند و لذت معانی و مزه اختصار مبانی اش را به صورت آسان و روان و خلاصه و خالی از رد و قبول و سالم از عیب و نقص و محفوظ از خطا و لغزش به او بچشانند.^۱

شایان ذکر است، عبدالقادر از سویی به توقیفی بودن ترتیب سوره ها نیز ترتیب آیات آن ها عقیده دارد و همین طور قائل است که پاره ای از آیات مدنی در سوره های مکی و بالعکس، ونیز

^۱ - عبد القادر ملاحویش آل غازی عانی، بیان المعانی علی حسب ترتیب النزول، (دمشق: مطبعة الترقی، ۱۳۸۲ق)، ج ۱، ص ۴.

پاره ای از آیات متأخر النزول در سوره های متقدم النزول و بالعکس وجود دارد و این به دستور پیامبر(ص) صورت گرفته است. ولی از سوی دیگر ترتیب سور مصاحف را نادیده گرفته و به قول خود طبق نظر امام علی(ع) تفسیری به ترتیب نزول فراهم می آورد.

جمع این دو عقیده در خصوص ترتیب سوره ها برای او مشکلی پدید نمی آورد. اما در مورد ترتیب آیات برای او ایجاد مشکل می کند. لذا در تفسیرش به خود اجازه نمی دهد که آیات را از جایشان تغییر داده، به ترتیب نزول بیاورد. به این دلیل که ترتیب آیات سوره ها توقیفی است و این کار نظام قرآن را از هم می گسلد. وی در این خصوص تحت عنوان مطلب «سبب عدم انفراد الایات عن سورها» می نویسد:

اگر ما آیاتی را که همراه سوره خود نازل نشده است، جداگانه بیاوریم، این امر نظام قرآن را پاره پاره می کند و حال آن که قرآن از پاره پارگی مبرا است. در حالی که در شرع از این نهی شده است. زیرا ترتیب قرآن توقیفی است به این سبب ما آیاتی را که جداگانه نازل شده است، جدای از سوره هایشان نیاوردیم بلکه آن ها را در سوره های خود باقی گذاشتیم و به اشاره ای بدان بسنده کردیم.^۱

روش بحث عبدالقادر در خصوص آیات و سور قرآن بدین ترتیب است که در صدر تفسیر هر سوره، مکی و مدنی آیات آن را یاد کرده، سپس چنانچه درباره نسخ آیاتی از آن سوره قولی رسیده باشد، به ذکر آن مبادرت می ورزد.

وی اگر در مورد نسخ آیاتی از سوره قولی نقل شده باشد که با شروط اصولی نسخ، منافات داشته باشد، آن را رد می کند.^۲ اگر ذیل آیاتی اسباب نزولی روایت شده باشد، به نقل آن می

^۱ - عبد القادر ملاحویش آل غازی عانی، بیان المعانی علی حسب ترتیب النزول، ج ۱، ص ۷۰.

^۲ - عبد القادر ملاحویش آل غازی عانی، بیان المعانی علی حسب ترتیب النزول، ج ۱، ۷۵ و ۸۶ و ۱۰۱-۱۰۲ و ۱۰۶.

پردازد و اگر روایتی بر تقدیمی تأخر نزول آن آیات دلالت داشته باشد، درباره تاریخ نزول آن نیز اظهار نظر می کند.^۱

به ندرت با عنایت به ترتیب نزولی که در روایات مربوط آمده است، روایات اسباب نزولی که بر خلاف آن رسیده است، رد می کند. برای مثال درباره روایتی از ابن عباس مبنی بر این که سوره مسد پس از آیه «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»^۲ نازل شده است، می گوید:

«صحیح نیست که این، سبب نزول آن (سوره مسد) باشد. زیرا این آیه پس از آن نازل شده و درست نیست که مؤخر سبب مقدم باشد. همچنان که درست نیست مقدم ناسخ مؤخر باشد...»^۳

۲،۱،۳. کتاب «التفسیر الحدیث»

درست دو سال پیش از آن که تفسیر عبدالقادر از چاپ درآید، به سال ۱۳۸۰ ق مفسر دیگری به نام «محمد عزت دروزه» بر اساس ترتیب نزول مندرج در همان مصحف پیش گفته، تفسیری را به عنوان «التفسیر الحدیث علی حسب ترتیب النزول» تألیف کرد. این امر قرینه ای است بر این که وی در هنگام تألیف اثرش اطلاعی از اثر عبدالقادر نداشته است.

دباره روش تفسیر دروزه گفتنی است، وی از منابع مختلف از جمله روایات ترتیب نزول، سبک و مضمون سوره ها و روایات تاریخی بهره گرفته است. او در بسیاری از موارد روایات

^۱ - عبد القادر ملاحویش آل غازی عانی، بیان المعانی علی حسب ترتیب النزول، ج ۱، ص ۶۹ و ۱۰۱-۱۰۲.

^۲ - شعرا/۲۱۴.

^۳ - عبد القادر ملاحویش آل غازی عانی، بیان المعانی علی حسب ترتیب النزول، ج ۱، ص ۱۲۱.

اسباب نزول را مورد نقد قرار داده است. مثلا در رد این سخن ابن عباس که سوره مسد پس از آیه « وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ^۱ » نازل شده است، می نویسد:

ما در این سبب نزول و مناسبت نزولی که برای این سوره روایت شده، تردید داریم. سیاق آیه شعرا دلالت ندارد بر این که در دوره اولیه نازل شده باشد و روایات خاطرنشان می سازند که دعوت پیامبر(ص) از نزدیکانش طبق آیه مذکور در سوره شعرا پس از چند سالی از آغاز دعوت بوده است. در عین حال یادآور می شوند که سوره مسد در همان اوائل نزول یافته است. حتی ترتیب آن را ششم قلمداد کرده اند.^۲

در بسیاری از موارد روایات مکی و مدنی آیات را رد می کند. مثلا ذیل آیه « وَ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقًّا قَدْرَهُ^۳ » می نویسد:

مفسران روایتی را آورده اند که خاطر نشان می سازد مناقشه ای میان پیامبر(ص) و یکی از احبار یهود مدینه رخ داد. پیامبر(ص) به تورات که خدا آن را بر آنان نازل کرده بود، استشهاد کرد، آنگاه آن شخص یهودی سوگند خورد که خدا هیچ چیزی را بر هیچ کسی نازل نکرده است.

ولی این آیه در میان آیات و سیاق از انسجام کاملی برخوردار است. مضمون روایت نیز درست نیست. چون بسیار بعید است که دانشمندی یهودی نزول تورات را از جانب خدا بر موسی(ع) انکار کند در حالی که هستی و دین یهودیان مبتنی بر آن است. لذا ما مکی بودن آن آیه را ترجیح می دهیم بلکه بر آن قطع داریم.^۴

۳،۱،۳. کتاب «سیره الرسول»

^۱ - شعرا/۲۱۴.

^۲ - محمد عزت دروزة، التفسیر الحدیث، (قاهرة: دار إحياء الكتب العربية، ۱۳۸۳ق) ج ۱، ص ۴۹۷.

^۳ - انعام/۹۱.

^۴ - محمد عزت دروزة، التفسیر الحدیث، ج ۴ ص ۱۲۱-۱۲۳.

دروزه پس از تألیف تفسیرش، کتابی به نام «سیره الرسول، صور مقتبسة من القرآن الکریم» تألیف کرد. دروزه در این کتاب بر پایه آیاتی از قرآن که راجع به زندگی پیامبر(ص) است، کلیه موضوعات را به ترتیب نزول بررسی و گزارش کرده است. او در طی این کتاب به موضوعاتی چون رفتار مشرکان، اهل کتاب و مؤمنان و نیز یکایک احکام شرعی پرداخته و سیر تاریخی هر یک از آن‌ها را بیان کرده است. وی روش کار خود را در این کتاب و دشواری‌های آن را چنین توضیح داده است:

ما دوست داشتیم رخدادهای متنوع زندگی پیامبر(ص) را دوره به دوره عرضه کنیم ولی چنان که روشن است، تشابه میان آیات این کار را دشوار ساخته است. به علاوه شناخت صحیح تاریخ نزول سوره‌ها و گروه‌های قرآنی مکی دشوار است

البته روایاتی که در ترتیب نزول سوره‌ها رسیده است، قدری این دشواری را کاهش می‌دهد. قرائتی که در مضامین سوره‌ها و گروه‌هاست، صحیح یا قریب الصحه بودن بسیاری از این روایات را الهام می‌کند. لذا بر آن شدیم که در بررسی این دوره و تصویر رخدادهای قرآنی آن به شیوه‌ای عمل کنیم که در حد امکان، هم زمان نزول آیات را رعایت کنیم و هم آیات را در چارچوب موضوعات مستقل بررسی نماییم.

ما پس از این سخن جدولی را پیش‌اروی خواننده خواهیم نهاد که حاوی ترتیب‌های نزول سوره‌های مکی است. این ترتیب‌ها به احتمال بسیار بر روایات و بررسی‌های نقلی مبتنی است و خواننده خواهد دید که بسیار به هم نزدیک‌اند، طوری که احتمال قریب الصحه بودن ترتیب‌های مذکور را تقویت می‌کند. ما تأکید داریم که در بررسی سیر سیره و مراحل آن در دوره مکی از آن‌ها استفاده کنیم.

گاهی اشکال می‌شود که وجود آیات مدنی در سوره‌های مکی موجب می‌گردد، در پذیرش نزول یکباره این سوره‌ها یا پیوستگی بخش‌ها یا ترتیب آیات سوره‌های مکی به

همان صورتی که در مصحف آمده، درنگ کرد. اما این اشکال را وارد نمی دانیم زیرا آیاتی که مدنی بودن آن ها به ثبوت رسیده باشد یا سوره هایی که چنین آیاتی را در بر داشته باشند، فراوان نیست و تناسب آن ها دلالت بر این دارد که در ترتیب آیات سوره های مکی و پیوستگی بخش های آن ها تغییر فراوانی در دوره مدنی پدید نیامده است.^۱

۴,۱,۳. کتاب «پیامبری و...»

از سال ۱۳۶۱ جلال الدین فارسی بر پایه ترتیب سور مصحف منسوب به امام صادق (ع) که موافق زمان نزول است، یک دوره سیره پیامبر (ص) به نام های «پیامبری و انقلاب»، «پیامبری و جهاد» و «پیامبری و حکومت» تألیف کرد.

به نظر می رسد، وی نظیر دروزه معتقد است که بخش های شماری از سوره های تدریجی النزول پی در پی نازل نشده است. لذا مشاهده می شود که بخش های برخی از سوره ها را پی در پی نیاورده و بخش هایی از دیگر سوره ها را در میان آن ها جای داده است. مثلاً به ترتیب، اولین بخش سوره های ذیل را به دنبال یکدیگر ترجمه و شرح کرده و بخش های دیگر آن ها را پس از چند سوره دیگر آورده است: علق ۱-۵، قلم ۱-۴، مزمل ۱-۹، مدثر ۱-۱۰.^۲

فارسی در ترتیب دادن قصه ها به تناقض های آشکاری گرفتار آمده است. مثلاً پس از آن که وقایع سال دهم بعثت از جمله وفات ابوطالب (ع) را گزارش کرده^۳، جزو وقایع سال یازدهم ذیل آیات ۹۱ و ۹۲ سوره نحل می نویسد:

عثمان بن مظعون در حالی که سخت تحت تأثیر قرار گرفته است، برخاسته از رسول خدا (ص) خداحافظی می کند و نزد ابوطالب می رود و آن دو آیه را برایش می خواند.
ابوطالب از آن خوشش می آید و ...^۱

^۱ - محمد عزت دروزه، سیره الرسول، (قاہرہ: دار إحياء الكتب العربية، ۱۳۸۳ق)، ج ۱، ص ۱۴۳-۱۴۴.

^۲ - جلال الدین فارسی، پیامبری و انقلاب، (بی جا، انتشارات امید، چاپ سوم، بی تا)، ص ۱۸-۱۹.

^۳ - همان، ص ۳۴۶.

۴. مبانی تفسیر تاریخی قرآن

پیش فرض اساسی تفسیر تاریخی قرآن این است که معنای مراد خدای تعالی از الفاظ و تعابیر قرآن عبارت از همان معنایی است که عرب حجاز در عصر نزول می فهمیدند. بر این اساس تأکید بر این است که در تفسیر قرآن باید به همان اطلاعات و منابعی مراجعه کرد که می تواند معهودات عرب حجاز را در عصر نزول به ما گزارش کند.

به طور کلی می توان پیش فرض های تفسیر تاریخی قرآن را به قرار زیر برشمرد:

۱،۴. عرفی بودن زبان قرآن

تلقى نویسنده این است که قرآن به همان زبان متعارف و رایج عرب حجاز عصر نزول نازل شده است؛ بنابراین باید به اطلاعاتی مراجعه کرد که زبان متعارف آن مردم را به ما بشناساند. به موجب این پیش فرض هیچ لفظ و آیه ای در قرآن وجود ندارد که آن مردم به معنای مراد خدا از آن پی نبرده باشند. در قرآن الفاظ غریب بلاغی وجود ندارد؛ یعنی الفاظی که نزد عرب حجاز در آن عصر نامأنوس و غیر قابل فهم باشد، در قرآن نیست و نیز در قرآن تعقید معنوی وجود ندارد؛ یعنی همچنان که مفردات قرآن برای آن مردم مأنوس بوده، ترکیبات قرآن نیز برای آنان مأنوس و مفهوم بوده است.

بر این اساس، تفسیر یعنی پرده برداشتن از الفاظ و عبارات قرآن امری عارضی است و نه ذاتی. یعنی عرب عصر نزول مراد الهی را از الفاظ و عبارات قرآن به روشنی در می یافتند و نیاز به تفسیر برای مردمانی پدید آمد که در عصر و مصر نزول قرآن وجود و حضور نداشتند. بر اثر گذشت زمان و تطور معنایی واژگان و تعابیر زبان عربی و از میان رفتن قرائن حالی و مقامی آیات قرآن نیاز به تفسیر پیدا شد.

^۱ - همان، ص ۳۷۶.